

# ماهنامه

# مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران



## نیگسن در تهران

«ریزیدنت نیگسن در باره ترقی اقتصادی ایران با الفاظی پرشور سخن راند و بدینسان جای تردیدی باقی نگذاشت که وی شاه ایران را متحد عمده آمریکا در این منطقه از جهان میدانند.»

مسائل مورد مذاکره نیگسن و شاه بقرار زیرین است:

۱) یکی از مسائل مورد مذاکره طبق خبر رادیو ایران مسئله «تقویت نیروی دفاعی» بود. شاه از نیگسن خواستار تقویت نیروی نظامی ایران شد و نیگسن نیز وعده داد که آنرا تقویت خواهد کرد.

ریچارد نیگسن رئیس جمهور آمریکا پس از سفر مسکودر تاریخ ۳۰ مه ۱۹۷۲ (نهم خرداد ۱۳۵۱) به تهران رفت و در آنجا با شاه ایران مذاکرات دوساعته ای در مسائل سیاسی داشت و روز ۳۰ مه ۱۹۷۲ از تهران به ورشو عزیمت کرد. مجله اکونومیست لندن در شماره ۳ ژوئن ۱۹۷۲ خود نوشت:

۲) یکی دیگر از مسائل مورد مذاکره جلب سرمایه های آمریکائی بود. موافق خبر روزنامه انگلیسی «ایونینگ ستار» (منتشره در جراید ایران) در دومین کنفرانس سرمایه گذاران آمریکائی در ایران گفته شد که آمریکا در برنامه پنجم عمرانی ایران ۵۴۳ میلیون دلار سرمایه گذاری خواهد کرد. این روزنامه مینویسد در حال حاضر میزان سرمایه گذاری آمریکا در ایران به ۷۰۰ میلیون دلار برآورد میشود.

تقویت بیشتر نیروی نظامی و جلب سرمایه گذاری خارجی دو حلقه مهم سیاست ضد خلقی رژیم ایرانست که بر خلاف مصالح مردم و کشور با اصرار تمام دنبال میشود. دنباله در صفحه ۴

## امکانات خلقهای خاور میانه برای مبارزه با نفتخواران

### امپریالیستی افزایش می یابد!

(ظلم به هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره ملی شدن تأسیسات شرکت نفت عراق)

اقدام دولت عراق دایر به ملی کردن تأسیسات شرکت نفت عراق همسراه با اقدام دولت سوریه دایر به ملی اعلام کردن لوله های نفت بر، ضربات جدی است که به کارتل بین المللی نفت وارد میگردد. حزب توده ایران بنا بر روش خود دایر به پشتیبانی از مبارزه استقلال طلبانه خلقها و حمایت از جنبش رهایی بخش عرب و از آنجمله مردم عراق، اقدام اخیر دولت عراق را دایر به ملی کردن مؤسسات نفت مورد پشتیبانی صمیمانه قرار میدهد و به خلق برادر عراق باین مناسبت از صمیم قلب شاد باش میگوید. این حادثه نمودار مشخص تازه ای بر تغییر روز افزون تناسب قوی در صحنه جهانی بسود سوسیالیسم و نیروهای ضد امپریالیستی دنباله در صفحه ۲

دولت همسایه ما عراق تأسیسات شرکت نفت عراق را در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۵۱ ملی اعلام کرد. اقدام شجاعانه دولت عراق نتیجه منطقی مشی ضد امپریالیستی این دولت و تلاشهایی است که در جهت تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی خویش بعمل ماورد و در عین حال پاسخی است به غارتگری و اعمال فشار شرکت امپریالیستی نفت عراق. اقدام اخیر دولت عراق موازات اقدام وی دایر به تأسیس موسسه ملی نفت «رومیلا» که با استفاده از کمکهای همه جانبه اتحاد جماهیر شوروی انجام میگردد گامهای مهمی است که در جهت تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور عراق و اتخاذ یک سیاست ملی در مسئله نفت برداشته میشود.

## دیدار مسکو

سفر ریچارد نیگسون رئیس جمهوری ایالات متحده به اتحاد شوروی و مذاکرات او با هیرمان اتحاد شوروی از جمله حوادثی است که بیشک در تحول جهانی نقش بسیار مؤثری بازی خواهد کرد. در سندی که متضمن اصول و مبانی مناسبات میان دو کشورست، و همچنین در اعلامیه مشترک که در جریان مذاکرات صادر شده نظریات طرفین مذاکره، مطالب مورد توافق و همچنین نکاتی که در باره آنها موافقت حاصل نگردیدند، گنجانده شده است. در جریان اقامت نیگسون در مسکو، چندین قرارداد مهم میان دو کشور امضاء گردید. مهمترین این قراردادها مربوط به تجدید «تسلیمات استراتژیک» است که درباره آن دو سال و نیم تمام مذاکرات ممتدی میان دو کشور در هلسینکی و وین جریان داشت. علاوه بر آن، در زمینه همکاری برای تحقیقات فضایی، پاک نگاهداشتن محیط، همکاریهای فرهنگی و علمی و ورزشی، تشکیل یک کمیسیون مشترک برای بررسی مناسبات بازرگانی بین

دو کشور، قراردادهایی امضاء گردید. دیدار مسکو، بیشک کامیابی بزرگی برای سیاست صلح اتحاد شوروی است. در جریان این مذاکرات رئیس جمهوری ایالات متحده مجبور به قبول اصلی گردید که سالیانست یکی از ارکان سیاست خارجی اتحاد شوروی است. این اصل، یعنی همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون، در دورانی که تکامل سلاحهای هسته ای هستی بشریت را مورد تهدید قرار داده است، بیش از پیش اهمیت دارد. دولت اتحاد شوروی همیشه هوادار این اصل بود و در اسناد رسمی حزبی و دولتی خود، و از جمله در اسناد کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی آنرا تصریح کرده است. اصل همزیستی مسالمت آمیز در سالهای ۶۰ از دو جانب مورد تعرض بی امان قرار گرفت؛ از جانب مخالف افراطی کشورهای امپریالیستی و از جانب گروههای ماژوریتیست مخالفان همزیستی مسالمت آمیز، ضمن آنکه از دو موضع بکلی مغایر آنرا مورد حمله قرار میدادند، ولی در عمل، در جهتی واحد یعنی در جهت بفرجتر دنباله در صفحه ۶

## در باره فروش سهام کارخانه ها و ایجاد شرکتهای سهامی عام

### طرح مطلب

عناصر دست آموزی را بنام «نایندگان» کارگران ایران برای سیاست گزاری از توجهات ملوکانه به «پایبوسی» شاه کشانند. در پس این مشاطه گریها و صحنه سازیها هدفهای اقتصادی و اجتماعی معینی نهفته است که نه از لحاظ محتوی و نه از لحاظ شیوه و وسایل تحقق آن تازگی ندارد و خاص تمام کشورهای سرمایه داری در مراحل مختلف رشد آنهاست. برای روشن تر شدن مطلب، این مسئله را با تفصیل بیشتری بررسی کنیم.

### تراکم تولید و تمرکز سرمایه ها

#### بچه معناست؟

رشد نیروهای مولده بیش از پیش موجبات تراکم تولید را در واحدهای بزرگ و بزرگتر فراهم میآورد. تراکم تولید در شرایط سرمایه داری بتمرکز سرمایه یعنی در آمیختن سرمایه های سرمایه داران مختلف و تبدیل آنها به سرمایه واحد در مقیاس بزرگتر منجر میشود. دنباله در صفحه ۳

شاه در نخستین جلسه شورای اجتماعی که با شرکت گروهی از وزراء و مقامات عالی رتبه دولتی تشکیل شد، ضمن تشریح هدفهای اجتماعی و اقتصادی هیئت حاکمه، مسئله «سرمایه گذاری وسیع عمومی» را مطرح ساخت و به صاحبان صنایع توصیه نمود تا یک ثلث سهام مؤسسات خود را در بازار بفروش رسانند. شاه تاکید کرد که فروش سهام فقط باید «تاجائی» باشد که کنترل کارخانه از دستشان خارج نشود. وی همچنین به صاحبان سرمایه توصیه نمود که این سهام را در وهله اول به کارمندان و کارگران کارخانه خود اگذار کنند و حتی تسهیلاتی نظیر اعطای وام بدون بهره برای خرید سهام برای آنان فراهم سازند. دستگامهای تبلیغاتی رژیم پس از انتشار این خبر، چنانکه معمول است، به مداحی از نیات اجتماعی ملوکانه پرداختند، چند موسسه صنعتی بزرگ بی درنگ آمادگی خود را برای تحقق منویات شاه اعلام داشتند و کارگران رژیم،

## یک حادثه مهم در تاریخ اروپا

اگر گفته شود که تصویب قرار داد های عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان، جمهوری توده ای لهستان و جمهوری فدرال از مهمترین حوادث اروپا بعد از جنگ دوم جهانی است مبالغه نیست. تصویب این قرار دادها در پارلمان جمهوری فدرال با بحثها و تشنجهای شدید توأم بود. جناح ارتجاعی افراطی حزب دموکرات مسیحی به رهبری اشتراوتس با تمام قوا کوشید راه تصویب را سد کند. بگفته قبل از تصویب قراردادها حتی کوشیدند که با طرح «استیضاح مثبت» دولت ائتلافی سوسیال-لیبرال برانند. شل را ساقط کنند. ولی سر انجام این کوششها به نتیجه نرسید و قرار دادها در حالی که اپوزیسیون دموکرات مسیحی در درون خود دچار تشنج شدید بود در قبال رأی ممتنع اکثریت نایندگان این حزب و مخالفت فقط ۱۰ نفر بتصویب رسید.

تصویب این قراردادها را چگونه باید توجیه کرد؟ اهمیت تصویب این قراردادها دنباله در صفحه ۲

### تحولات جدید

## در کشور همسایه ما عراق

در ماههای اخیر در کشور همسایه ما عراق تغییراتی رخ داده و تحولات نوی پدید آمده که نه تنها دارای اهمیت فراوان برای مردم عراق، بلکه حائز اهمیت و تأثیر نیرومندی در منطقه خاور میانه و ایران است. بیان این حوادث که طلیعه فصل امید بخشی در تاریخ پرفراز و نشیب این کشور کهنسال است و همچنین ارزش یابی آنها تا آنجا که درخور حوصله این مقال است، هدف ما میباشد.

### نظری اجمالی به گذشته

عراق تاریخ پرحادثه و غم انگیزی دارد. صدها سال دولت عثمانی و سپس استعمار انگلستان بطور مستقیم و سر انجام تا سال ۱۹۵۸ رژیم سلطنتی خانواده هاشمی با حکومتهای دست نشانده ای چون نوری سعید، مردم این سر زمین ثروتمند را در حال عقب ماندگی و اسارت نگاهداشتند و مبارزات دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

## يك حادثه مهم در تاريخ اروپا

را فقط وقتی ميتوان بدستى درك كرد، كه علل تحول داخلي جمهورى فدرال - كه منجر به تصويب قرار دادها شد - جهت اين تحول و دورنمای آن در مقطع تحولات جهانى توضيح شود. اين تحليل نه تنها به استنباط جوانب تحول در جمهورى فدرال كمك ميكند، بلكه در عين حال بما كمك ميكند، كه سير تحول حوادث در ساير نقاط جهان را نیز در خطوط عمومى اش درك كنيم و در برخورد با اشباه اين تحول در نقاط ديگر دچار سر-گيجه نشويم.

در اينجا نخستين نکته اى كه بايد تصريح كرد اينست كه در ماهيت طبقاتى دولت اتلافى سوسيال - ليبرال در جمهورى فدرال هيچگونه تغيير كیفى روى نداده است. حزب سوسيال دموكرات و همچنين حزب دموكراتى آزاد، نمايندگان بورژوازى انحصارى اين جمهورى، وابسته گان به سرمايه دارى انحصارى بين المللى و دشمنان سوسيال-ليسم علمى ماركس - لنين و تجسم آن در خاك آلمان، يعنى جمهورى دموكراتيك آلمان هستند. در موضع طبقاتى اين احزاب و رهبران آنها - تا آنجا كه باي منافع اساسى و عمومى بورژوازى انحصارى در ميان است، هيچگونه تغييرى روى نداده است. ولى براندت در يكي از نقطه هاى خود اعتراف ميكند كه او «رقاص خواب آلود ميان دو سيستم» نيست. او در يك سيستم، يعنى سيستم سرمايه دارى انحصارى جاى استوارى دارد. فقط از اين موضع است كه با دولتهای سو-سياليسى سخن ميگويد.

نکته ديگرى كه بايد تصريح كرد اينست كه علیرغم اين واقعيت، تغييرى در برخورد عمومى احزاب سوسيال دموكرات و دموكراتى آزاد بمسائل جهانى و از آنجمله در برخورد به اتحاد شوروى، جمهورى دموكراتيك آلمان و ساير کشورهای سوسيال-ليسى روى داده است، كه در جاى خود نمیتوان و نبايد نادیده گرفت. قبول اين تغيير مطلقاً بمفهوم قبول تغيير كیفى اين احزاب و رهبران آنها نيست. متقابلاً نقى تغيير كیفى اين احزاب و رهبران آنها، مطلقاً نقى اين تغيير را ايجاد نميكند. عدم ارزيايى متناسب و موجه هر يك از اطراف اين مسئله بفرنج به پراتيك سياسى لطمه جدى ميزند.

واقعيت اينست كه تغيير تناسب قوا ميان سوسياليسم و امپرياليسم در صحنه جهانى بتدریج برحله اى ميرسد، و هم اکنون بمرحله اى رسیده است كه ايدئولو گها، دولتمداران و سخنگويان امپرياليسم بتدریج مجبور ميشوند كه نه تنها در حرف، بلكه حتى در عمل در بسارى از شوه های مقابله خود با سوسياليسم تجديد نظر كنند. امروز در اردوى امپرياليسى همه مى دانند كه دوران شعارهاى دالس، دوران «بعقب راندن» و «تلافى متراكم» گذشته است. در ابتدای سالهاى ۶۰ جن كندى با نسخه «استراتژى

صلح» بميدان آمد. در سالهاى بعد ايدئولو-گوهاى بورژوا قدم بقمه زير فشار حوادث نظريات عمومى كندى را بصورت نسخه هاى مشخص در آوردند، بتدریج شعار «پل گذارى ميان دو سيستم» و «نزديكى» مطرح شد. شعار «پايان مقابله و شروع مذاكره» كه در اواسط سالهاى ۶۰ از طرف دوكل مطرح شده بود، براى نخستين بار بعنوان خط اساسى سياست خارجى ايالات متحده از طرف نيكسون رئيس جمهورى آن كشور اعلام گرديد. بديهى است كه اين تغيير جز يك تغيير تاكتيكى نبوده است و نيست. بعضى از سخنگويان بورژوازى انحصارى كه در دستگاه دولتى مسئوليتى ندارند، در آثار خود

از بيان اين حقيقت ابا نميكنند كه اين تغيير تاكتيكى نه تنها بمنظور دور شدن از هدف استراتژيك (يعنى بارزه با سوسياليسم و منهدم كردن آن) نيست، بلكه درست بمنظور تطبيق آن با تحولات عيني و ذهنى جهانى، دقيق و كارا ساختن آن است. «بندا» يكي از ايدئولو گهاى جمهورى فدرال، از «تحول از راه نزديك» سخن ميگويد. او ميگويد براى وصول به تحول (مقصود تحول در سيستم سوسياليسى جمهورى دموكراتيك آلمان است) بايد از تونل درازى كه «نزديكى» نام دارد گذشت. «هربرت هنر» رهبر فراكسيون پارلمانى حزب سوسيال-دموكرات در يكي از نقطه هاى اخير خود در جواب مخالفين دولت كه ميگفتند قرار داد هاى شرفى ديوار برلين را جاويدان ميكند، گفت: «اكنون ديگر مسلم است كه ديوار را از اينسو نمیتوان سوراخ كرد». روشن است كه او نميخواست تمام فكر خود را بيان كند. ولى غرض او اين بود كه قرار دادهای شرفى، بر خلاف نظر مخالفين، درست بمنظور «سوراخ كردن ديوار از اينسو» مورد تأييد او و يارانش قرار گرفته است.

ترديد نيست كه هيچك از اين نكات و همراه با آنها مدارك بشمار ديگر از نظر كشور هاى سوسياليسى و در اين مورد بطور اخص از نظر اتحاد شوروى، جمهورى توده اى لهستان و جمهورى دموكراتيك آلمان دور نبوده است. همه ميدانند كه دولت براندت - شل بزرگترين بودجه نظامى تاريخ جمهورى فدرال را به پارلمان آورده است. همه ميدانند كه اين بودجه نظامى بزرگترين بودجه نظامى کشورهای سرمايه دارى اروپا است. در طول زمامدارى اين دولت بستگى جمهورى فدرال به پيمان اتلانتيك بيزان بيسابقه اى تشديد شده است. «هلموت اشيت» وزير دفاع سوسيال دموكرات جمهورى فدرال اكنون از كارگردانان اساسى پيمان اتلانتيك و از ايدئولو گهاى سياسى - نظامى آنست. اينها و شواهد ديگر هيچكدام از نظر آنها كه با سران دولت سوسيال - ليبرال پشت ميز مذاكره نشسته و قرار دادها را امضا کرده اند مخفى نبوده است. ولى با وجود تمام اين واقعيات، وقتى كه دشمن طبقاتى، بهر دليل، و در اين مورد بدليل عمده تغيير تناسب قوا در صحنه جهانى عقب نشينى ميكند، مواضع خود را و اميگنارد،

دنباله از صفحه ۱

## اظهاريه هيئت اجرائيه كميته مرگري حزب توده ايران

وبالافتن امكانات عيني بين المللى براى كشور هاى «رشد يابنده» در جهت دفاع از استقلال سياسى و اقتصادى خود و از آنجمله براى كشور هاى نفت خيز در جهت مبارزه براى كوتاه كردن دست غارتگران كارتل بين المللى نفت از منابع نفت و نیز ثمره تحولات مثبت اجتماعى و سياسى جامعه عراق است. اين حادثه از جمله براى ميهن ما كه يكي از مهمترين كشور هاى نفت خيز جهان و منطقه است بويژه اهميت بزرگى دارد.

مهمترين پايلهگاه اقتصادى و غارتگرى امپرياليسى در ايران كنسرسيوم بين المللى نفت است. اين كنسرسيوم با در دست داشتن بزرگترين منابع نفتى كشور ما، نه تنها همه ساله مبالغ گزافى از دارائى ملي را غارت ميكند، بلكه عمده در آمد ارزى كشور را، كه بايد صرف اجراء برنامه هاى عمرانى و

نميتوان و نبايد از اشغال مواضع او خوددارى كرد. نميتوان و نبايد، بدليل اينكه ماهيت او تغيير نكرده است، تغيير موضع او را مورد استفاده قرار نداد. در چنين مورد بايد هر قدم كه او بعقب ميگذارد، بيقدم بجلو گذاشت و در عين حال بي نهايت هشيار بود و آمادگى را براى مقابله با هر گونه تحول اجتماعى هرگز از دست نداد.

سياست خارجى اتحاد شوروى در مقابله با امپرياليسم، نحوه گردش اين سياست، موضعه گيرى و تغييرات دقيق و طبق نقشه و پيش بينى آن و سر انجام موقعيتى كه اين سياست بيار آورده است نمونه برجسته خرد-مندی و آزمودگى رهبرى حزب كمونيست و دولت اتحاد شوروى است. اين سياست را بايد بررسى كرد و از آن درس گرفت.

اين بررسى براى نهضت كارگرى ايران، كه راهى دراز، پر رنج، آميخته با شكستها و كاميابيها، اشتباهات و سردرگمى ها در پشت سر گذاشته است، بويژه اهميت دارد. تحليل اين سياست و پراتيك آن ما را با متدولزى ديالكتيكى درخشان يك حزب كارآموده پرولترى و دولت آن آشنا ميكند. براى ما و تمام احزاب كارگرى سر مشقى است از اصوليت و در عين حال انعطاف پذيرى لنينى. سياستى است مانند پولاد سخت و در عين حال همچون ابريشم نرم. درك اين سياست براى حزب ما از جهت تنظيم مبارزه آن در چارچوب كشور ما نیز اهميت حياتى دارد. در طول دهسال اخير حزب ما بكرات با گروهها و افرادى مقابله کرده است كه صحت و اصوليت سياست اتحاد شوروى را در مورد ايران در معرض سؤال قرار داده اند. بعد از گذشت سالها، اكنون حتى سر سخت ترين مخالفان ايرانى اين سياست نمیتوانند انكار كنند، كه موفقيتهای آن عظيم بوده است. بيشك آينده موفقيت هاى بزرگترى را براى اين سياست همراه خواهد داشت.

و بالافتن امكانات عيني بين المللى براى كشور هاى «رشد يابنده» در جهت دفاع از استقلال سياسى و اقتصادى خود و از آنجمله براى كشور هاى نفت خيز در جهت مبارزه براى كوتاه كردن دست غارتگران كارتل بين المللى نفت از منابع نفت و نیز ثمره تحولات مثبت اجتماعى و سياسى جامعه عراق است. اين حادثه از جمله براى ميهن ما كه يكي از مهمترين كشور هاى نفت خيز جهان و منطقه است بويژه اهميت بزرگى دارد.

مهمترين پايلهگاه اقتصادى و غارتگرى امپرياليسى در ايران كنسرسيوم بين المللى نفت است. اين كنسرسيوم با در دست داشتن بزرگترين منابع نفتى كشور ما، نه تنها همه ساله مبالغ گزافى از دارائى ملي را غارت ميكند، بلكه عمده در آمد ارزى كشور را، كه بايد صرف اجراء برنامه هاى عمرانى و نميتوان و نبايد از اشغال مواضع او خوددارى كرد. نميتوان و نبايد، بدليل اينكه ماهيت او تغيير نكرده است، تغيير موضع او را مورد استفاده قرار نداد. در چنين مورد بايد هر قدم كه او بعقب ميگذارد، بيقدم بجلو گذاشت و در عين حال بي نهايت هشيار بود و آمادگى را براى مقابله با هر گونه تحول اجتماعى هرگز از دست نداد.

رامين

۱۵ خرداد ۱۳۵۱

## در باره فروش سهام

تأمین سرمایه لازم برای رشد نیروهای مولده در شرایط سرمایه‌داری از دوره انجام می‌گیرد:

**اول** از راه تجهیز منابع داخلی که بحساب استثمار زحمتکشان خودی انجام می‌گیرد، **دوم** از راه تجهیز منابع خارجی که این خودی از طریق غارت استعماری و نو استعماری کشور های عقب مانده، یعنی بحساب استثمار زحمتکشان سایر کشورها عملی میشود و با از طریق جلب وامها و اعتبارات و سرمایه‌های خارجی که در صورتیکه منبع آن کشورهای امپریالیستی باشد، موجبات وابستگی و غارت کشورهای ضعیفتر را بوسیله کشورهای قویتر فراهم می‌سازد.

کار تجهیز منابع داخلی برای رشد اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری یا از طرف دولت بشکل ناپیوسته طبقات استثمارگر انجام می‌گیرد و با صرف خود سرمایه‌داران.

دولت های بورژوازی پیوسته سرمایه‌گذاری های بزرگ و معمولاً کم سودی را که سرمایه‌داران جداگانه به تنهایی و یا حتی باتفاق قادر بتأمین آن نیستند و یا اینکه سرمایه‌گذاری ها بسود آنان نیست، بهعهده می‌گیرد. دولت بوسیله گوناگون و بویژه به کمک سیستم مالیاتی که بطور عمده بزحمتکشان تحویل میشود، منابع داخلی را از طریق اجبار قانونی برای اینکه سرمایه‌گذارها تجهیز میکنند و عملاً در کار تمرکز سرمایه در مقیاس کشور و بسود طبقات استثمارگر شرکت می‌ورزد.

سرمایه‌داران نیز خود برای تمرکز سرمایه به شیوه‌های مختلف متوسل میشوند. تراکم سرمایه یعنی انباشته شدن ارزش اصلی در دست سرمایه‌دار جداگانه از راه

استثمار کارگران مؤسسه متعلق بخود، همیشه برای گسترش سریع تولید و تأمین شرایط مساعد برای رقابت با مؤسسات دیگر کافی نیست. رشد نیروهای مولده در شرایط سرمایه‌داری که با تضاد های لاینحل و رقابت های ویران کننده همراه است، به تمرکز نیروهای پراکنده و در آمیختن امکانات سرمایه داران جداگانه نیازمند است. اگر در مراحل اولیه رشد سرمایه داری، مالکیت و سرمایه انفرادی به تنهایی میتوانست از عهده ایجاد مؤسسات تولیدی برآید،

در مراحل بعدی فقط از راه تمرکز سرمایه‌های چند سرمایه‌دار یعنی از راه ایجاد شرکتها میتوان به احداث واحدهای بزرگ تولیدی پرداخت. در مرحله معینی از رشد نیروهای مولده، تراکم تولید بعدی میرسد که حتی با ایجاد شرکت های عادی نیز نمیتوان سرمایه لازم برای احداث واحدهای عظیمی که قادر به رقابت باشند، فراهم نمود. در این مرحله نه فقط تمرکز سرمایه‌های پراکنده، بلکه جلب هر گونه پس انداز نیز از راه ایجاد شرکت های سهامی عام ضرور میگردد.

گذار از سرمایه گذاری های انفرادی به شرکت های سهامی خاص (کمپانی) و از شرکت های سهامی خاص به شرکت های سهامی عام

(کورپوراسیون) پیروسه‌ایست که در تمام کشورهای سرمایه‌داری به صورت درجات مختلف انجام گرفته و می‌گیرد. این جریان فقط از راه در آمیختن داوطلبانه سرمایه‌های شرکای برابر حقوق انجام نمی‌گیرد، بلکه اکثرآ در جریان رقابت های بسیار شدید و رشکستگی ها و بلعیده شدن مؤسسات کوچکتر بوسیله مؤسسات بزرگتر و نیرومندتر جریان می‌یابد و راه را برای پیدایش سرمایه‌های انحصاری هموار می‌سازد. این جریان به معنای بر افتادن مالکیت انفرادی و شرکتهای عادی هم نیست. در شرایط سرمایه داری تمام اشکال مالکیت انفرادی، گروهی، دولتی، تعاونی و با وجود تضادهای معین، همزیستی دارند. مالکیت های انفرادی، از جهت عددی، حتی در آخرین مرحله رشد سرمایه‌داری نیز تسلط دارد، ولی گرایش در جهت تسلط اقتصادی مالکیت های جمعی است که بصورت تسلط انحصارها تجلی می‌یابد.

## سیر جریان تراکم و تمرکز در ایران

ایران که در راه رشد سرمایه‌داری گام بر میدارد، از پیروسه‌های عام قانونمند جهان سرمایه‌داری مستثنی نیست. تکامل سرمایه‌داری در ایران نیز در خطوط اصلی و تعیین کننده خود از همان راه عادی سرمایه‌داری غرب انجام می‌گیرد. سرمایه‌داری ایران، چه در شکل دولتی و چه در شکل خصوصی آن، برای رشد اقتصاد کشور به تجهیز منابع داخلی و جلب منابع خارجی می‌پردازد. پیروسه تراکم تولید و تمرکز سرمایه و پدید آمدن سرمایه‌های جمعی در ایران نیز ولولگی‌های جریان دارد و دولت ایران در این پیروسه نقش فعال ایفاء میکند آقای خردجو، مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در کنفرانس اطاقهای بازرگانی در سال ۱۳۴۶ با توجه به همین پیروسه گفته بود: «... فقط شرکت های بزرگ میتواند باقی بمانند و صاحب صنعت کوچک در تنازع بقاء به نیستی رانده میشود».

ضعف سرمایه‌داری ایران، بخصوص در شرایط غارت امپریالیستی و تسلط انحصارهای سرمایه‌داری بر بازار ایران و افزایش مستمر هزینه‌های نظامی و غیره، مولد دستگاههای دولتی و هزینه‌های تجملی ثروتمندان و نیز در شرایط انقلاب علمی و فنی و پدید آمدن تکنیک بفرنج پرهزینه معاصر، مسئله تجهیز منابع و تمرکز سرمایه را در ایران به صورت یکی از مسائل حاد کشور در آورده است.

دولت و محافل اقتصادی ایران سالهاست میکوشند مسئله تجهیز منابع از یکسو و تمرکز سرمایه‌های خصوصی از سوی دیگر را بطرق مختلف حل کنند. دولت با استفاده از سیستم مالیاتی و اعتباری و انتشار اوراق قرضه و حتی با ایجاد تورم آگاهانه (بمنظور کاستن از قدرت خرید زحمتکشان و باز گرفتن درآمد پولی آنان) و با توسل به وام‌ها و سرمایه‌های خارجی، بانکهای دولتی و خصوصی از طریق جلب پولهای را کد سرمایه‌های موقتا آزاد و اندوخته ثروتمندان و پس اندازهای کوچک و متوسط اهالی، به سیستم بانکی میکوشند منابع داخلی و خارجی را برای تأمین هزینه‌های بخشهای خصوصی و دولتی و از جمله تأمین سرمایه گذاری تجهیز کنند. جریان

طبیعی تمرکز سرمایه نیز در ایران از طریق ایجاد شرکت های تولیدی که بیش از پیش جایگزین شرکت های تجاری میگردد انجام می‌گیرد و در سالهای اخیر به سرعت این کار تاحدودی افزوده شده است.

دولت بنوبه خود میکوشد جریان تمرکز سرمایه را در ایران تسریع کند. آقای انصاری در اسفند ماه سال ۱۳۴۸، ضمن تشریح سیاست جدید صنعتی کشور اعلام داشت که « توسعه واحدهای جدید تا آنجا که موجب انحصار نشود، برای ایجاد واحدهای تازه در همان رشته مقدم خواهد بود» و «در مورد واحدهایی که در حد اقتصادی کار میکنند حق تقدم به آنهائی داده خواهد شد که آمادگی ادغام با یکدیگر را داشته باشند تا در نتیجه از حالت غیر اقتصادی خارج شوند».

دولت برای تشویق تمرکز سرمایه‌تدابیر اقتصادی و سازمانی معین نیز مانند ایجاد تسهیلات مالیاتی برای شرکت های سهامی، تشکیل بورس اوراق بهادار و تصویب قانون شرکتهای سهامی در سال ۱۳۴۷، اتخاذ نموده است.

ولی از اقدامات دولت در این زمینه نتایج چشم گیری که محافل اقتصادی انتظار داشتند، بدست نیامد. تاکنون جز سهام عمده انگشت شماری از واحدهای اقتصادی کشور وارد بورس شده و از تسهیلات مالیاتی نیز بیشتر برای ایجاد شرکت های مجازی بمنظور سودجویی از این تسهیلات استفاده شده است. با وجود پدید آمدن واحدهای اقتصادی نسبتاً بزرگ و پیدایش شرکت های سهامی نسبتاً وسیع، پیروسه تمرکز سرمایه در ایران بکندی پیش میرود. این امر علل مختلف دارد که به برخی از آنها که بیش از همه به سیاست خود دولت ارتباط دارد، اشاره میکنیم.

۱ - سیاست حمایتی دولت از سرمایه‌گذاران پهای خصوصی خارجی باعث شده که سرمایه‌داران ایران با در نظر گرفتن قدرت و تجربه سرمایه‌داران خارجی، اختلاط سرمایه خود را با سرمایه آنان ترجیح دهند. اکثر مؤسسات بزرگ تولیدی و مالی خصوصی ایران در سالهای اخیر با مشارکت سرمایه‌های خارجی ایجاد شده است.

۲ - انحصارات امپریالیستی که در رشد سالم و همه‌جانبه نیروهای مولده ایران ذینفع نیستند، و مایلند رشد اقتصادی را در چارچوب وابستگی بخویش نگاهدارند سرمایه‌های ایران را تاکنون بیشتر در جهت ایجاد صنایع مونتاژ سوق داده اند. این صنایع که در واقع بخش کوچکی از کارگاههای مونتاژ کارخانه اصلی را در کشورهای امپریالیستی تشکیل میدهند، یعنی زانده کارخانه مادر هستند، سرمایه گذاری های بزرگ و بنابراین به تمرکز جدی سرمایه احتیاج ندارند.

۳ - سیستم بانکی که مهمترین وسیله تجهیز منابع داخلی در شرایط کنونی است و بخش خصوصی نقش قابل ملاحظه‌ای در آن بدست آورده، مبالغ هنگفتی از سپرده‌های سرمایه‌داران و پس اندازهای مردم را در دست خود متمرکز کرده و با بکار انداختن این سرمایه های عظیم در راههای غیر تولیدی، به تمرکز

سرمایه در رشته‌های تولیدی لطمه جدی وارد می‌سازد. کافی است گفته شود که از ۲۲۸ میلیارد ریال اعتبارات بخش خصوصی در سال ۱۳۴۹ فقط ۵۳ میلیارد ریال یعنی کمی بیش از ۲۳ درصد به رشته‌های کشاورزی و صنعتی تخصیص یافته و مابقی در راههای غیر تولیدی از قبیل بازرگانی و خرید و فروش زمین و غیره صرف شده است.

۴ - دولت برای تأمین هزینه‌های غیر مولد خود با انتشار انواع اوراق قرضه با بهره‌های چشم گیر و تضمین شده می‌پردازد و از این راه سرمایه‌هایی را که میتوانست در راههای مولد بکار افتد، از جریان خارج می‌سازد.

همین چند عامل بخوبی نشان میدهد که چگونه سیاست اقتصادی و مالی و پولی دولت، خود مانعی در راه تمرکز سرمایه در کشور میگردد. سیاست دولت با هدفهای آن عدا تضاد پیدا میکند.

## هدف دولت از ایجاد

## شرکتهای سهامی عام

دولت که از طرق و شیوه های سابق نتوانست سرمایه داران را بنحو مطلوب در جهت تمرکز سرمایه سوق دهد و یا پس انداز های کوچک و متوسط مردم را در راههای مولد بکار اندازد، اکنون در نظر دارد که با تشویق سرمایه داران به ایجاد شرکت های سهامی عام و فروش سهام آنان در بازار سرمایه، بوسیله دیگر پیروسه تمرکز سرمایه را در ایران تسریع کند. آقای هویدا در سال ۱۳۵۰، هنگام معرفی کابینه خود به مجلس شورا، « ایجاد امکانات برای مشارکت و مالکیت بیشتر مردم در صنایع کشور را از هدف های دولت اعلام کرده بود. اظهارات اخیر شاه در شورای اجتماعی نیز در تأکید این سیاست است. جناب اندوخته ها و پس اندازها به رشته های صنعتی هدف اصلی این سیاست را تشکیل میدهد. جناب اندوخته ها و پس انداز ها به رشته های تولیدی نتایج متضاد دارد، زیرا از یکسو به تراکم تولید که پیروسه ای ناگزیر و مترقی در رشد نیروهای مولده است، کمک میکند و از سوی دیگر موجبات پیدایش و گسترش انحصارها و تشدید استثمار را فراهم می‌آورد. آینه نشان خواهد داد که دولت تا چه حد در این سیاست موفق خواهد شد.

ولی هم اکنون میتوان گفت که جناب اندوخته ها و پس انداز ها به رشته های تولیدی، از طریق فروش وسیع سهام کارخانه ها، بدون شک با دشواریهای فراوان روبرو خواهد شد. زیرا سوق این اندوخته ها و پس انداز ها به مجرای جدید، یعنی رشته های بلا واسطه تولیدی در عین حال تاحدودی به معنای خارج کردن آنها از مجرای قدیم یعنی سیستم بانکی است که این خود تضاد تازه‌ای در میان سرمایه بانکی و سرمایه صنعتی بوجود خواهد آورد و به عرصه رقابت در داخل کشور خواهد افزود. گو اینکه این رقابت در آینده به در آمیختن سرمایه های

## در باره فروش سهام

بانکی و صنعتی و گسترش بیشتر سرمایه مالی در ایران منجر خواهد شد.

بعلاوه صاحبان سرمایه و پس اندازها فقط در طول سالیان دراز توانستند که به استفاده از سیستم بانکی عادت کنند و اعتمادی کم و بیش نسبت بان بدست آورند. سرمایه گذاری در سهام از طرف صاحبان اندوخته و یا بکار انداختن پس اندازهای کوچک و متوسط برای خرید سهام از طرف قشرهای وسیع مردم عرصه تازه و ناشناخته است که بعید بنظر میرسد باین زودیها بتوانند دامنه وسیع بخود بگیرد، بخصوص از این لحاظ که به سیردهای مدت دار و پس اندازها بهره هائی تعلق میگیرد که گرچه میزان آن از سود احتمالی سهام کمتر است، ولی بهر حال بهره نسبتاً تضمین شده است که بطور پایدار میتواند عاید گردد. ولی سهام داری این تضمین و اعتبار نیست و بخصوص که سهام را در زمان دلخواه نمیتوان به پول نقد تبدیل نمود.

ایجاد شرکتهای سهامی عام برای صاحبان اصلی این مؤسسات مزایای فراوان در بر دارد. انتشار سهام امکانات مالی سرمایه داران را، بدون آنکه نظارت مطلق خود را بر این مؤسسات از دست دهند، بمیزان زیاد افزایش میدهد. در امریکا سرمایه دارانی وجود دارند که با در دست داشتن ۱۰-۵ درصد سهام، بعلت پراکنده بودن سهامداران جزء، تمام سرنوشت مؤسسه را بدست خود گرفته اند.

در شرایط رونق اقتصادی که سودهای نسبتاً جالبی به سهام تعلق میگیرد، سهام مؤسسات به قیمتی بیش از بهای واقعی آنان خرید و فروش میشود. از این راه مبالغ هنگفتی «سرمایه کاذب» بوجود میآید که باعث ثروتمند تر شدن صاحبان اصلی سهام میگردد. با اینکه در ایران بورس اوراق بهادار مراحل ابتدائی رشد خود را طی میکند، سهام ۱۰ هزار ریالی بانک اعتبارات ایران، بانک ایران و خاور میانه، بانک ایرانیان هر یک از ۱۰ تا ۱۷ هزار ریال و یا سهام ۵۰۰ ریالی کارخانه شیشه قزوین به ۱۳۰۰ ریال یعنی ۲٫۶ برابر قیمت واقعی آن خرید و فروش میشود.

سهامداران عمده شرکت های سهامی که گردانندگان این شرکتها هستند، در زمان رونق از این وضع بسود خود استفاده میکنند و زمانیکه موسسه دچار مشکلات مالی و یا ورشکستگی میشود و قیمت سهام به نصف و ثلث و گاه حتی به صفر تنزل میکند، عواقب ناشی از این وضع را بطور عمده به سهامداران کوچک و پراکنده ای که نه از وضع موسسه و نه از بازبهای پشت پرده بورس اطلاع دارند، تحمیل میکنند. این واقعیتی است که حتی شاه، سرمایه داران ایران را بآن دلاگرم میسازد.

بورس های اوراق بهادار یکی از بزرگترین مراکز سوداگری و دوز و کذب

جهان سرمایه داری است. قشرهایی از زحمتکشان که تحت تأثیر وعده های تبلیغاتی شرکت های بزرگ قرار میگیرند، چه بسا پس انداز ناچیز خود را بامید در آمد های واهی در راه خرید سهام این مؤسسات از دست میدهند.

## تکرار نسخه های دیگران

با اینهمه توصیه شاه به صاحبان سرمایه درباره فروش قسمتی از سهام به کارگران و کارمندان، وسیله ای تبلیغاتی برای نشان دادن «دلسوزی» و «توجهات» شاه بزحمتکشان و عوامفریبی درباره شریک کردن و مالک کردن مردم در مؤسسات صنعتی قرار گرفته است.

باید گفت هیئت حاکمه ایران در این مورد نیز هیچگونه ابتکار و نوآوری از خود نشان نداده و از همان راه های طی شده و شوه های قدیمی مداحان سرمایه داری استفاده میکند. ایدئولوگ های بورژوازی پخش سهام میان اهالی را که یکی از طرق تمرکز سرمایه بسود سرمایه داران است، بشما به تحولی در سرمایه داری جلوه میدهند، سرمایه داری معاصر را «سرمایه داری خلقی» مینامند و مدعی میشوند که توده های وسیع مردم با خرید سهام مؤسسات عظیم انحصاری در مالکیت این مؤسسات شریک و سهیم شده اند. این واقعیتی است که پخش وسیع سهام، به قشرهای معینی از توده های مردم، از جمله به عده ای از کارگران امکان میدهد که تعداد قلیلی از سهام مؤسسات بزرگ را خریداری کنند. ولی خرید این سهام بهیچوجه بمعنای شریک و سهیم شدن آنان در مالکیت این مؤسسات نیست. آنان در واقع فقط صاحب تعدادی اوراق بهادار میشوند که در بهترین حالت فقط سالانه مقداری بهره نصیب آنان میگرددند. سهامداران جزء نه در مالکیت این مؤسسات شرکت دارند و نه در اداره آن دخالتی دارند و چه بسا حتی از محل این مؤسسات و چگونگی کار و تولید آن بی اطلاعند.

هیئت حاکمه ایران اقداماتی نظیر سهیم کردن کارگران برخی مؤسسات خصوصی را در سود سالانه این مؤسسات و یا فروش احتمالی مقداری از سهام کارخانه ها را به کارگران و کارمندان آن تحولی کیفی در جهت توزیع عادلانه تر در آمد ها قلمداد میکنند. این ادعاها از بیخ و بن نادرست و عوامفریبانه است. آمارهای رسمی حاکی است که صاحبان صنایع ایران در برابر هر ۴۰۰ تومان حقوق و مزد متوسطی که ماهانه به کارگران و کارمندان خود میدهند ۱۲۰۰ تومان سود بدست میآورند. درجه استثمار در ایران بیش از ۳۰۰ در صد است. ساعات کار هفتگی در بخش خصوصی در سال ۱۳۴۸ در حدود ۵۸ ساعت بود.

دولت از طرفی با سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها به جار و جنجال تبلیغاتی درباره عدالت اجتماعی دست میرود و از سوی دیگر عملاً مانع افزایش دستمزدها هماهنگ با افزایش بازده کار و متناسب با

بالا رفتن هزینه زندگی میگردد. در آمد کارگران ایران بحدی ناچیز است که حتی در صورت ارائه سهام کارتلی خانه ها بخیرید آنها قادر نخواهند بود. حتی در کشوری نظیر ایالات متحده امریکا که سهام مؤسسات بزرگ به میزان فراوان در بازار عرضه میشود و کارگران در آمد به مراتب بیشتری از کارگران ایران دارند، اکثریت مطلق کارگران قادر بخیرید سهام کارخانه ها نیستند. در سال ۱۹۶۵ در ایالات متحده امریکا ۱۸ میلیارد سهم به مبلغ ۶۵۰ میلیارد دلار در بورس ها به ثبت رسیده روی آنها معامله انجام میگرفت. در چنین کشوری که بهر یک از ساکنین آن بطور متوسط ۹۰ سهم ۳۶ دلاری میرسد، فقط ۱۰ درصد مردم صاحب سهم بودند و عده کارگران صاحب سهم از ۳ درصد مجموع کارگران امریکا نیز کمتر بود. بررسی اقتصاد دانان امریکا نشان میدهد که ۸۰ درصد سهام تنها به ۱٫۲ درصد همه سهامداران امریکائی تعلق دارد.

طبیعی است در کشور فقیری مثل ایران که کارگران حد اقل معیشت خود را نیز بزحمت تأمین میکنند، اندوخته ای برای خرید سهام کارخانه ها نخواهند داشت، مگر آنکه صاحبان سرمایه، همانطور که شاه توصیه کرده، با ایجاد برخی «تسهیلات» کارگران را با شیوه های ظاهر فریب به خرید سهام مجبور سازند. و این خود بهانه ای خواهد بود تا «شریک» و «سهیم» بودن کارگران در کارخانه بشدت کار آنان بیفزایند و از افزایش دستمزدها جلوگیری کنند. بدین ترتیب روشن میشود که رژیم با استفاده از تجارب سرمایه داری در کشور های دیگر میخواهد مشکلات حد تراکم تولید و تمرکز سرمایه را بسود سرمایه داران بنحوی حل کند که استثمار را تشدید نماید و هم اقدامات خود را بعنوان عنایات شاهانه نسبت بکارگران و در ردیف گامهای تازه «انقلاب سفید» در ایران جلوه گر سازد. یعنی رژیم بیک تیر دو نشان میزند: از سوئی مناسبات سرمایه داری را بیش از پیش بسط میدهد و از سوی دیگر به تجدید آگاهی طبقاتی کارگران میپردازد و میکوشد تا آنها را در سیستم سرمایه داری حل کند.

کارگران و همه عناصر آگاه باید هدف های واقعی اقتصادی و اجتماعی رژیم را بدرستی ارزیابی کنند و آنرا بهمه زحمت کشان توضیح دهند. حزب توده ایران بر آنست که راه رشد سرمایه داری که رژیم آنرا موافق نسخه های متداول در کشور های سرمایه داری اروپا و امریکا با حرارت تمام بنامی کند راه رشد واقعی جامعه ما نیست و قادر نیست استثمار انسان از انسان، واپس ماندگی دیرینه ایران از کشور های رشد یافته و وابستگی او را به امپریالیسم جهانی چاره کند. ما خواستار آنچنان راه رشدی هستیم که زمینه های لازم اقتصادی و اجتماعی را برای رهایی کارگران و زحمتکشان از استثمار بیرحمانه، برای سیر سریع و سالم

## نیکسن در تهران

یکی دیگر از مسائل مورد مذاکره مسئله خلیج فارس بود. شاه ایران بار دیگر از نقش خاص و مسئولیت ایران برای حفظ «ثبات منطقه» سخن راند. خبرگزاری آلمانی «د.پ.ا.» باتکاء محافل موثق تهران اطلاع میدهد: شاه از نیکسن خواستار شد که اتحاد شوروی را «قانع کند» تا در جریان اقیانوس هند و خلیج فارس مداخله مستقیم نداشته باشد! شاه ایران در باره مذاکرات خلات امریکا که در بحرین و ابوظبی بایگانه ساخته و در باره مداخلات انگلستان که بنا بر بیان نخست وزیر انگلستان ادوارد هیت در جلسه اخیر سنو در لندن مواضع و نیرو های خود را بشکل «مدرنیزه» در خلیج فارس حفظ خواهد کرد، اشکالی نمی بیند. بنظر او این مداخلات اسارتگرانه امپریالیستی، عادی است. ولی امر غیر عادی آنست که کشور های سوسیالیستی از حق حرکت آزادانه در دریاها استفاده کنند!

یکی دیگر از مسائل مورد مذاکره باصطلاح مبارزه با قاچاق مواد مخدره بود. فاکتهای متعددی حاکی است که برخی از از وابستگان بدربار در مقیاس بین المللی بعنوان قاچاقچی هروئین افشا شده اند. اخیراً دانشمند فضائی امریکا مک کنوی (از دانشگاه ییل) به گذرگه امریکا گزارشی درباره فعالیت وسیع قاچاق مواد مخدره از طرف حکومت سایگون (وان تیو کی) داده است که شخص را بی اختیار بیاد این جریان در ایران می اندازد. بسیار چیزها در این مذاکرات که سعی دارند بآن ظاهر معصومانه مبارزه با مواد مخدره بدهند اسرار آمیز است و آینده در باره آنها قضاوت خواهد کرد.

نیکسن در نطق خود در «کاخ سفید» قصر سعد آباد بوجود پیوند های صمیمانه بین امریکا و ایران و قرار داد های موجود بین دو کشور اشاره کرد و گفت که قرار دادها بهر جهت روی کاغذ میمانند، ولی دوستی بین ایران و امریکا از این قرار دادها بسی دور تر میرود. وی پس از اشاره به مذاکرات خود در مسکو چنین گفت: «ما در (مذاکرات مسکو) این واقعیت بسیار مهم را از نظر دور نگاه نداشته ایم که ما سیاست خود را بر روی پیمانها مستقر میسازیم، پیمانهای که ما در گذشته داشته ایم، اکنون داریم و در آینده خواهیم داشت و امریکا قصد ندارد سیاست اعتماد کامل خود را به متحدین خویش ترک کند.»

مجموعه این واقعیات بیکار دیگر نشان میدهد که سیاست خارجی کشور ما درست در شرایطی که وضع جهان برای تحکیم مبانی استقلال از همیشه مساعد تر است میماند پیش خود را در سایه مشی امپریالیستی قرار میدهد.

کشور ما در همه شئون مادی و معنوی بجلو و برای تأمین استقلال و دمکراسی سیاسی و اقتصادی فراهم سازد و این راه رشد سمت گیری سوسیالیستی است. مسعود

## تحولات جدید در کشور همسایه ماعراق

استقلال طلبانه آنها را با استفاده از اختلافات مذهبی و قومی و خیانت عده ای از شوخ سرکوب کردند.

پس از جنگ جهانی دوم با در هم ریختن سیستم مستعمراتی، استعمار انگلستان قدرت «لا يزال» خود را از دست داد و ضربات سختی در منطقه خاور میانه بر او وارد آمد. رشد جنبش استقلال طلبانه و ضد استعماری در ایران، ملی کردن نفت و اخراج انگلیسها در دوران حکومت دکتر مصدق نیز بنویه خود تأثیر شدیدی در این منطقه از جمله در کشور همسایه ماعراق کرد. در چنین شرایطی انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق بر رژیم سلطنتی و حکومت سر فرمان نوری سمید پایان داد و فصل نوی در تاریخ زندگی مردم عراق گشود.

سرهنگ عبدالکریم قاسم که در آغاز انقلاب جابجایی جابجایی کردن خانواده سلطنتی و گروسی از عمال سرشناس انگلستان سد بزرگی را از جلو جنبش انقلابی برداشته بود، با پشتیبانی توده های مردم بقدرت رسید، اما نتوانست از این نیرو برای ریشه کن کردن ارتجاع زخم خورده و عمال امپریالیسم و اجرای اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی استفاده لازم را بنماید. دو دلی و تزلزل و تغییر جبهه بطور مداوم از چپ بر راست و بالعکس، حکومت او را تضعیف کرد. مهم ترین اقدام حکومت او یعنی قانون اصلاح ارضی بشکلی ناقص و در کادری محدود در نیمه راه اجرا متوقف ماند. آزادی نیروهای دموکراتیک که بهترین ضامن بقای حکومت بود، بتدریج محدود و سرانجام بفشار و سختگیری بحزب کمونیست عراق و سازمانهای توده ای منجر گردید. خطای فاحش دیگر قاسم اعزام نیرو بکردستان عراق و آغاز جنگ با جنبش ملی کراتیک کرد برهبری بارزانی در سال ۱۹۶۱ بود. نتیجه این اشتباهات پیروزی کودتای ۱۹۶۳، نابودی قاسم، ایجاد ترور و اختناق بیسابقه و کشتار بیرحمانه کمونیستها و سایر نیروهای دموکراتیک و آمدن عبدالسلام عارف، ژنرال ارتش بقدرت بود.

پس از سقوط قاسم بین نیروهائی که در کودتا شرکت کرده و با یکدیگر در تضاد بودند، اختلاف در گرفت. جنگ داخلی با کردها که مدتی متوقف شده بود بار دیگر آغاز گردید. جناحهای مختلف حزب بعث و قومیون طرفدار ناصر همچنین ارتجاع و عمال امپریالیسم و سایر نیروها درهم افتادند. در سال ۱۹۶۵ عبدالسلام عارف در یک حادثه هوائی جان سپرد و برادر او عبدالرحمن عارف که متهم بدوستی با انگلستان بود بر سرکار آمد و کشمکشها بر سر قدرت تا سال ۱۹۶۸ ادامه یافت، در نتیجه این حوادث پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی متوقف ماند و خطر تسلط ارتجاع و توفیق توطئه های امپریالیستی بیشی گرفت.

## حکومت بعثی

در چنین شرایطی حزب سوسیالیست

بعث عراق از قدرت خود در ارتش استفاده و حکومت عبدالرحمن عارف را در ۱۷ ژوئن ۱۹۶۸ ساقط نمود. احمد حسن البکر و گروهی از افسران ارتش در ارگانی بنام «شورای فرماندهی انقلاب» حکومت را در بست در دست گرفتند. حزب بعث عراق که جریان خاصی از جنبش ناسیونالیستی بعثی عرب و از پیروان ایدئولوگ سرشناس آن مبطل ععلق است، بیش از همه به خرده بورژوازی و بخصوص قشر جوان آن تکیه دارد. افسران جوان ارتش، دانشجویان و کارمندان جوان مهمترین پایه های اجتماعی آن هستند. حکومت بعثی سالهای ۶۸ و ۶۹ را بیشتر صرف ادامه جنگ داخلی، مقابله با توطئه های گوناگون و زور آزمائی جناحهای داخلی حزب بعث کرد و در عین حال فشار بر نیروهای دموکراتیک را با شوه های خشن و غیر عادلانه شدت داد. صدها نفر از کادرهای برجسته حزب کمونیست عراق که از نفوذ و احترام زیادی در بین توده های مردم برخوردار است، بزندان افتادند و عده ای هم بدست گروههای ضربتی سر به نیست شدند. جنگ در تمام جبهه ها؛ علیه خلق کرد، علیه حزب کمونیست، علیه سایر نیروهای دموکراتیک یعنی جبهه مترقی و نبرد علیه ارتجاع و استعمار و صهیونیسم یعنی جبهه ارتجاعی و مبارزه جناحهای داخلی حزب، ارتجاع عراق و سازمانهای جاسوسی امپریالیست ها و عمال آنها را امیدوار کرد که با استفاده از این همه گرفتاریها میتوانند حکومت را ساقط کنند.

حکومت حزب بعث در جنگ داخلی توفیقی ن یافت، احساسات نا مساعد مردم که ناشی از اقدامات افراطی و رفتار خشن گروه های راست در حزب بعث در کودتای ۱۹۶۳ و پس از آن بود، همچنان برجای ماند و در زمینه سیاست خارجی گر چه مناسبات خود را با کشور های سوسیالیستی، توسعه داد ولی روابطش با سایر کشورهای مترقی عربی مانند مصر و سوریه و یمن به تیرگی گرائید و با وجود قدمتهائی که در راه رشد اقتصادی عراق برداشت، دچار ضعف گردید. تجربه تلخ سال های گذشته به گروه های معتدل تر و منطقی تر حزب بعث فرصت داد تا در سیاست داخلی حکومت تغییراتی بدهند که مهمترین آنها متارکه جنگ با کردها و عقد قرار داد ۱۲ ماده ای در سال ۱۹۷۰ بود. اعلام متارکه جنگ و عقد قرار داد بین دو ملت بصورت جشن همگانی در سر تا سر عراق در آمد. حزب دموکرات کردستان عراق در بغداد و سایر نقاط بفعالیت علنی پرداخت و روزنامه ارگان آن «التاخی» منتشر گردید. حکومت عراق لزوم تشکیل جبهه واحدی از نیروهای ملی را مکرر اعلام و اقدام بتشکیل آنرا نوید داد. چنین بنظر مبرسید که رژیم عراق راه درستی را برای ترقی و تکامل جامعه و مبارزه با استعمار و صهیونیسم در پیش گرفته است. ولی متأسفانه طولی نکشید که در نتیجه تأخیر در اجرای قسمتهائی از قرار داد با کردستان و بروز اختلافات بر سر کیفیت اجرای مواد دیگر و همچنین با تشدید فشار

بعضی از افسران ارتش خود در ارتش استفاده

## با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

مهمترین اقدام دولت عراق در زمینه سیاست خارجی عقد قرار داد دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است. از تاریخ ۱۰ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۲ هیئتی بریاست صدام حسین تکریتی با مقامات اتحاد شوروی در مسکو برای عقد این قرار داد وارد مذاکره شد. اعلامیه مشترکی که در پایان مذاکرات منتشر گردید نشانه ای گویا از رسیدن بتوافق بین دو کشور بود. بدنبال این مذاکرات رفیق کاسیگین نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بغداد آمد و قرار داد دوستی و همکاری روز ۹ آوریل ۱۹۷۲ برای مدت ۱۵ سال امضاء شد. این قرار داد روابط نیکوی بین دو کشور را به سطح عالیتتری ارتقا داده و باب همکاری وسیعی را در تمام زمینه های اقتصادی، تجاری، فرهنگی و فنی گشوده است. این قرار داد عامل مهمی برای پشتیبانی و تقویت جنبش ضد استعماری و استقلال طلبانه مردم عراق، توسعه صنعتی و اقتصادی این کشور، استقرار ثبات و صلح در منطقه، تضعیف نیرو های امپریالیستی و ارتجاعی و تغییر تناسب قوا در خاور میانه بسود جنبش های استقلال طلبانه و در مقیاس جهانی بسود صلح و سوسیالیسم است.

## طرح منشور ملی

اقدام دیگری که بعمل آمده طرح منشوری بنام «اقدامات ملی» است که در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱ از طرف آقای حسن البکر رئیس جمهور و دبیر کل منطقه ای

حزب بعث منتشر گردید.

این طرح دارای محتوی ضد امپریالیستی، طرد راه تکامل سرمایه داری، احترام به حقوق ملی و قانونی خلق کرد از جمله حق خود مختاری میباشد. همچنین این طرح لزوم وحدت عمل تمام احزاب ملی و مترقی، تأمین شرایط دموکراتیک و انقلابی، محو تمام اشکال فشار علیه توده ها و علیه سازمانهای سیاسی، سندیکائی و فرهنگی و سایر سازمان های متعلق بانها را تأیید میکند و دارای خصلت دموکراتیک است.

در زمینه تکامل اقتصادی و اجتماعی اجرای آن، راه را برای رشد مترقی غیر سرمایه داری که زمینه را برای پیشرفت بسمت سوسیالیسم آماده مینماید، میگشاید. این طرح توسعه و تحکیم روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای سوسیالیستی، همکاری و تعاون و پشتیبانی از کلبه جنبشهای ضد امپریالیستی و از تمام نیروهائی را که برای آزادی و استقلال و ترقی مبارزه میکنند، اساس سیاست خارجی کشور عراق میداند. هم اکنون این طرح مورد بررسی و مشورت بین حزب کمونیست، حزب دموکرات کردستان عراق و حزب بعث است تا پس از توافق بر نامه عمل جبهه واحدی از کلبه احزاب و سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی قرار گیرد. پس از انتشار این منشور حزب کمونیست عراق ضمن اعلامیه ای تحلیلی جامعی از آن بعمل آورد و آنرا چنین ارزش یابی کرد: در «طرح منشور» وظایف ملی و ضد امپریالیستی بدرستی تعیین شده است.

## شرکت حزب کمونیست عراق در دولت

بدنبال اقدامات فوق روز ۱۴ ماه مه رئیس جمهوری عراق ضمن ترمیم و تغییر هیئت وزراء دو نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، یعنی رفقا محسن طالبانی و عامر عبدالله را بشرکت در هیئت وزراء دعوت کرده هم اکنون در هیئت دولت عراق پنج نفر وزیر از حزب دموکرات کردستان و دو نفر از حزب کمونیست، دو نفر از قومین (طرفدار ناصر) شرکت دارند و بدینسان هیئت وزیران شکل کابینه ای ائتلافی یافته است. حزب کمونیست عراق در باره شرکت خود در دولت اعلامیه ای انتشار داد که رادیو بغداد و جرائد رسمی قسمتی از آنرا منتشر کردند و روزنامه «التاخی» ارگان حزب دموکرات کردستان متن کامل آنرا منتشر کرد. در این اعلامیه گفته میشود که حزب کمونیست عراق انتظار دارد قسمتهائی از «منشور» که مربوط به آزادی احزاب و بطور کلی آزادیهای دموکراتیک است و همچنین آنچه در باره ایجاد ارگان قانون گذاری و تدوین قانون اساسی و خاتمه دادن بدوره فترت در منشور ذکر شده، در تاریخ معین عملی شود. حزب کمونیست اعلام داشت که نظریات خود را در باره لزوم دادن اختیارات بیشتری بوزیران (در حال حاضر تمام تصمیمات اساسی را شورای فرماندهی انقلاب یعنی حزب بعث میگیرد)، انتشار آزادانه روزنامه ارگان

تحولات جدید در کشور همسایه ما عراق حزب کمونیست و شرکت فعال تر حزب در دولت، با اطلاع حزب سوسیالیست به ترسانده و این حزب توافق خود را با این پیشنهاد ها اعلام ولی اجرای آنرا بوقت دیرتری موکول نموده است.

### آزادی زندانیان سیاسی

حکومت عراق کلیه زندانیان سیاسی را که بیشتر آنها از اعضای حزب کمونیست هستند آزاد و اعلام کرد که کلیه کسانی که بعلت سیاسی از کار برکنار شده اند میتوانند بکار خود باز گردند.

اقدامات فوق آغاز مرحله ای تازه و امید بخش در راه تکامل و ترقی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عراق است. در صورتی که این اقدامات ادامه یابد و از جمله مفاد «منشور» و قرار داد ۱۹۷۰ منعقد با کردستان کاملاً اجرا گردد، راه پیروزی جنبش استقلال طلبانه و ضد استعماری و ضد صهیونیستی مردم عراق و پیشرفت و ترقی و تأمین رفاه اجتماعی آنها هموار میگردد. تعلق و تردید در اجرای تصمیمات متخذه و یا بازگشت بشیوه هایی که در گذشته موجب تفرقه و تجزیه نیروهای مترقی و ملی در عراق گردید، زمینه مساعدی بامیرالیسم و ارتجاع که هنوز دست از توطئه بر نداشته اند، خواهد داد تا نقشه های شیطانی خود را عملی کنند. امید داریم که چنین وضعی پیش نیاید و مسائلی که هم اکنون مورد بحث چه بین حزب کمونیست عراق و حکومت و چه بین جنبش دموکراتیک و ملی کرد برهبری باززانی و حزب سوسیالیست بعث میباشد حل و فصل شود و وحدت نیروها بنحوی دموکراتیک تأمین گردد.

### واکنش محافل امپریالیستی

واکنش اینگونه محافل را در مقابل تحولات عراق میتوان بخوبی از فشاریکه انحصارات نفتی امپریالیستی از لحاظ مالی بعراق وارد آورده اند، دریافت. از چندین هفته پیش انحصارات نفتی، تولید نفت را در عراق بسرعت کم کرده ۶۰ درصد ظرفیت لوله های نفتی عراق - مدیترانه را بلااستفاده گذاشته و حکومت عراق را دچار مشکلات مالی کرده اند. برای مقابله با این فشار مالی دولت عراق اخطار نموده که اگر این انحصارات ظرف دو هفته تولید را تا حد گنجایش لوله های نفت بالا نبرند، منافع کمیابها در خطر خواهد افتاد. شورای فرماندهی انقلاب روز ۲۴ ماه مه تصمیمات خاصی برای محدود کردن هزینه های عمومی کشور و متوقف کردن کارهای ساختمانی اتخاذ و بوسیله رادیو بمردم عراق ابلاغ کرد و چون کمیابهای نفتی از قبول خواستهای عادلانه دولت عراق سر باز زدند روز اول ماه ژوئن صنایع نفتی را که در دست کمیابها بود ملی نمود. کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق در اعلامیه ای که روز ۲۵ ماه مه منتشر کرد، اقدامات تضییعی انحصارات نفتی امپریالیستی را بشدت محکوم و پشتیبانی جدی خود را از حکومت عراق در دفاع از منافع ملی اعلام داشت، در

این اعلامیه در باره واکنش محافل امپریالیستی درقبال تغییرات مترقی درعراق چنین میخوانیم: «محافل امپریالیستی دشمنی علنی خود را علیه تحکیم روابط عراق با اردوگاه سوسیالیسم، علیه قرار داد دوستی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با عراق، علیه شکل گرفتن جنبه مترقی ملی و علیه شرکت حزب کمونیست در دولت باثبات رساندند». این واکنش ها را مردم ایران هنگام ملی شدن صنعت نفت دیده و با آنها آشنا هستند. ما مطمئیم در شرایط جهان امروز که تناسب قوا بفرصت صلح و سوسیالیسم تغییر فاحشی کرده و اردوگاه نیرومند سوسیالیسم همه جا بیاری جنبش های ضد استعماری میثابتد و از کشورهایانی میکند، در راه ترقی قدم گذاشته اند پشتیبانی میکند، از هر گونه کمک بمردم عراق دریغ نخواهد کرد و امکان نخواهد داد که توطئه های امپریالیستی در این کشور بدهفهای شیطانی خود برسد. اعلامیه های حزب کمونیست و حزب دموکرات کردستان عراق حاکی از پشتیبانی کامل حکومت عراق در مبارزه عادلانه آن علیه کمیابهای غارتگر نفت است. هشتمین کنگره کشورهای عربی نفتخیز که در ۲۷ ماه مه در الجزیره تشکیل گردید

نیز پشتیبانی خود را ضمن اعلامیه ای از موضوع گیری حکومت عراق در برابر کمیابهای نفتی خارجی در عراق اعلام داشت. تردیدی نیست که مردم ایران هم بنوبه خود پشتیبان بدریغ مبارزه مردم عراق علیه امپریالیسم و صهیونیسم و علیه کمیابهای غارتگر نفتی هستند و ملی کردن صنعت نفت را که این کمیابها غارت میکردند بمردم عراق تبریک میگویند.

### واکنش تحولات اخیر عراق در ایران

از روی واکنشهایی که دولت و دستگاہهای تبلیغاتی ایران در قبال تحولات اخیر عراق نشان داده اند، نگرانی رژیم ایران بخوبی پیداست. این واکنشها از اینفرارند:

- ۱ - اظهارات مقامات رسمی ایران مبنی بر لزوم تجدید حیات و تقویت سنتوبمنظور تهدید عراق،
  - ۲ - اعزام نیروی بیشتر بمرز های عراق و در گیریهای مرزی در منطقه خاقلین،
  - ۳ - حملات شدید تبلیغاتی و شخصی علیه وزرای کمونیست عراق،
  - ۴ - حملات غیر مستقیم و سر بسته ولی بانداره کافی گویا به عقد قرار داد دوستی و همکاری بین اتحاد جماهیر شوروی و عراق،
  - ۵ - احضار ده دوره از افسران و سه دوره از سربازان احتیاط در مناطق غربی ایران یعنی در مرز های عراق.
- ما اینگونه واکنشها را مغایر با سیاست حسن همجواری، دشمنی با جنبش ضد استعماری مردم عراق، مخالف با همزیستی مسالمت آمیز، دخالت در امور داخلی کشور همسایه میدانیم که با منافع و با احساسات مردم ایران نسبت بمردم عراق مایبنت دارد. وجود مسائل مورد اختلاف بین ایران و عراق نمیتواند توجیه کننده رویه خصمانه ایران در قبال تحولات مترقی در عراق باشد.

### دیدار مسکو

کردن مناسبات بین المللی، افزایش تشنج، جلوگیری از حل مسالمت آمیز نکاتی که حل آنها ممکن بود در یک جمله تشدید خطر جنگ هسته ای، حرکت میگردند. در این سالها، هواداران این اصل، و در درجه اول بیکبرترین و موثرترین آنها، یعنی رهبران حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، مورد بی پایه ترین اتهامات قرار گرفتند. ولی سیر حوادث بتدریج صحت تحلیل و عمل حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی را ثابت کرد. رهبران چینی یکی دوسال اخیر مجبور شده اند که از مخالفت خود با اصل همزیستی مسالمت آمیز بکاهند. در مطبوعات آنها، حداقل دیگر رهبران اتحاد شوروی، بعنوان هواداری اصل همزیستی مسالمت آمیز مورد حمله قرار نمیگیرند. در کشورهای امپریالیستی نیز بتدریج وضع دگرگون شده است. اکنون کار بجائی رسیده است که در سند مسکو، که بنسکون امضای خود در برای آن میگذارد گفته میشود «... در عصر اتمی، همزیستی مسالمت آمیز تنها مبنای مناسبات میان آنها (اتحاد شوروی و ایالات متحده) میتواند باشد» این مطلبی است که عیناً

حزب ما طی اسناد جدا گانه ای که نشر یافته درباره مسائل مورد اختلاف نظریات مشخص خود را ابراز و مکرر اعلام داشته که میتوان و باید اینگونه اختلافات را از راه مذاکرات و از طریق مسالمت آمیز حل کرد. منافع ما و مردم عراق اقتضا دارد که در جوار یکدیگر در صلح و دوستی که سنت قدیمی بین دو کشور است، زندگی کنیم. بنا بر این هر گونه اقدامی که در جهت تشدید وخامت روابط بین ما و عراق بعمل آید بخصوص هنگامیکه کشور همسایه ما در آستانه تحول در جهت ترقی میباشد محکوم و آنرا نشانه بیم رژیم ضد دموکراتیک ایران از انعکاس و تأثیر این تحول در میهن خود میدانیم.



از مجموع حوادث و تحولاتی که در عراق رخ داده و مادر فوق بآنها اشاره کردیم چنین برمیآید که حکومت عراق از تجربیات تلخ دورانیهای پر حادثه گذشته پند گرفته و در راهی قدم گذاشته است که آینده خوبی را بمردم این کشور نوید میدهد. شرط اساسی پیروزی این راه اجرای دقیق و صادقانه «منشور اقدامات ملی» که از نظر سیاسی تشکیل جبهه واحد ملی و تأمین کامل حقوق دموکراتیک خلقهای عرب و کرد استخوان بندی آنرا تشکیل میدهد و از لحاظ اقتصادی راه رشد غیر سرمایه داری محتوای آنست، ضامن مطمئنی برای پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم و صهیونیسم و مقابله با توطئه هایی است که در داخل و خارج علیه تحولات مترقی نو در عراق چیده میشود. تردیدی نیست که موفقیت های مردم عراق موجب خوشنودی خلقهای ایران است که دارای هدفهای مشترک ضد امپریالیستی و دموکراتیک بوده و خواهان سعادت و نیکبختی یکدیگر میباشدند.

۱. گویا

بهمین مضمون، در اعلامیه جلسات مشورتی مسکو (۱۹۶۰ و ۱۹۶۹)، وهمچنین اسناد کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی بیان شده است. در همین ماده گفته میشود: «اختلاف در ایدئولوژی و سیستمهای اجتماعی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، در راه تکامل مناسبات عادی میان آنها، که بر اساس حاکمیت ملی، برابری، عدم مداخله در امور داخلی و صرفه متقابل استوار است، مانعی بوجود نخواهد آورد». این باز نکته ایست که همیشه در اسناد رسمی حزبی و دولتی اتحاد شوروی تصریح گردیده است. این باز ایالات متحده است که زیر فشار تحول حوادث در جهان، تغییر تناسب قوا، اصلی را که هیچوقت قبول نداشت ورعایت نمیکرد، اکنون بطور رسمی قبول کرده است.

دیدار مسکو و نتایج آن در سراسر جهان انعکاسی بسیار مثبت یافت. مردم جهان بدرستی درک میکنند که عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده، امری فقط مربوط به دو کشور مزبور نیست. تحول این مناسبات، در تحول مجموع حوادث جهانی دارد. بهمین دلیل، امروز افکار عمومی جهان انتظار دارد که در راه تحقق اصول مندرج در اعلامیه مشترک، قدمهای مؤثر و مثبت برداشته شود.

بعد از دیدار مسکو، اکنون توجه مردم جهان بدو نقطه گریهی اختلاف و تضاد معطوف است. در درجه اول باید از بیتنام نام برد. در این نقطه جهان، هنوز آتش جنگ شعله وریست و امپریالیستهای امریکائی به سیاست تهاجم و انهدام خود ادامه میدهند. در کنار بیتنام، خاور میانه نقطه اساسی دوم تضاد بین المللی است. در این نقطه نیز، علی رغم توصیه ها و قطعنامه های مکرر سازمان ملل متحد و شورای امنیت، نیروهای اسرائیلی هنوز منطقه وسیعی از خاک کشورهای عربی را در اشغال دارند. در اعلامیه مشترک مسکو، به قطعنامه نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت و تأمیر میانجی سازمان ملل متحد «گونار- یارینگ» اشاره میشود. در این موازنه میداندند که این دولت اسرائیل است که اکنون از اجرای مفاد این قطعنامه، که مستلزم پس کشیدن نیروهای اسرائیلی از سرزمینهای اشغالیست، جلوگیری میکند.

در این دو نقطه مهم تضاد، ایالات متحده نقش اساسی دارد. در بیتنام مهاجم بطور مستقیم ایالات متحده است. در خاور میانه اسرائیل، بعنوان نماینده منافع انحصارات امریکائی، عمل میکند. در هر دو مورد، نقش اتحاد شوروی، نقش دفاع در قبال تهاجم، نقش حمایت از مبارزه آزادی بخش در راه تحصیل آزادی، استقلال ملی و تمامیت ارضی است. بعد از دیدار مسکو، باید در انتظار نتایج آن بود. باید در انتظار بود و دید که ایالات متحده آمریکا، در قبال تعهداتی که در دیدار مسکو بعهده گرفته است چگونه عمل خواهد کرد. روش آمریکا، در قبال مسئله بیتنام و خاور میانه، سنگ محک اساسی ارزیابی آنست. آنچه مربوط به اتحاد شوروی است، در اصول سیاست آن تغییری روی نداده است و روی نخواهد داد. حمایت از جنبشهای نجاتبخش ملی جزء لاینفک سیاست شوروی است که کاملاً ادامه خواهد یافت.

ن - آذر